

به قول معروف

ابوالفضل علی دوست ابرقویی

حرف مرد یکی است

۱۵



سیره‌ی عقلا، لازم است حرف مرد دوتا شود. هنگامی که عصبانی می‌شویم و تصمیم می‌گیریم انتقام بگیریم؛ وقتی رأی و نظری می‌دهیم که بعدها عدم درستی آن برایمان ثابت می‌شود، زمانی که مسیری را انتخاب می‌کنیم که بعدها روشن می‌شود - باصلاح این ره به ترکستان می‌رود و مواردی از این نمونه، مصادیقی هستند بر این که گاه‌گاهی برگشتن از حرف و رأی قبلی نه تنها پسندیده، بلکه ضروری است.

در این باره نیز مثل‌هایی مانند: «از خر شیطان پیاده شو» و...

سیره‌ی ائمه

در سیره‌ی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) و بزرگان اخلاق مکرراً به مواردی بر می‌خوریم که روشن کرده است، همیشه هم حرف مرد یکی نیست.

در جنگ احد رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پس از این که با جنازه‌ی مثله شده‌ی عمویش - حمزه - روبه رو شد، تصمیم گرفت هرگاه بر مشرکان پیروز گردید، در پاسخ به اقدام آن‌ها - بنا به قولی - هفتاد نفرشان را مثله کند. با نزول آیه‌ی صدو بیست و شش از سوره‌ی نحل (مبنی بر این که مجازات به میزان تعدی آن‌ها و البته شکیبایی بهتر است)، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از تصمیم خود برگشت. حتی وحشی - قاتل حمزه - را عفو فرمود. هرکس میزان اندوه رسول خدا را از مثله شدن حمزه در نظر بگیرد، تا حدی خواهد دانست که برگشت از این تصمیم تا چه اندازه سخت بوده است.

در زندگی بسیاری از علمای اخلاق و فقه‌های وارسته مواردی ملاحظه می‌شود که حرف آن‌ها عوض شده و از تصمیم قبلی عدول کرده‌اند.

اختلاف مرحوم میرزای شیرازی با مرحوم حاج میرزا ابراهیم خویی در یک مسأله‌ی فقهی و برگشت مرحوم میرزای شیرازی از رأی خود؛ برگشت مرحوم آخوند خراسانی از نظر خود در برابر نظر شاگردش مرحوم آیت الله بروجرودی و ده‌ها مصداق دیگر.

هرگاه شهرت این‌گونه شخصیت‌ها را در نظر بگیریم، درک می‌کنیم که برگشت آن‌ها از رأی و نظرشان چه اندازه جوهر مردانگی داشته است.

✽ نقل کرده‌اند:

نقل کرده‌اند که یکی از مراجع در برابر این مثل گفته است: «از قضا مرد آن است که حرفش دوتا شود، زیرا اگر پافشاری بر حرف اول مردانگی باشد، پا گذاشتن بر حرف و تصمیم غلط عیار مردانگی را بیش تر می‌نمایاند.»

گفته‌اند که از کسی پرسیدند: چند سال داری؟ جواب داد: سی سال. ده سال دیگر هم همین مطلب را از او پرسیدند.

باز هم گفت: سی سال. علت را از او پرسیدند. پاسخ داد: «حرف مرد یکی است».

به نظر می‌رسد اصولاً زمانی به مثل مورد بحث استناد می‌شود که لجاجت و یکدندگی مبنای کلام باشد، نه استقامتی معقول و منطقی؛ همین نکته، بار منفی بر این مثل مرتب می‌سازد. فرق است میان استقامت و ثبات شخصیت، با لجاجت و یکدندگی.

استقامت امری مقدس می‌باشد و به معنای پایداری شخص در برابر عواملی است که او را از مقصد باز می‌دارند. قرآن کریم، بشارت الهی را بهره‌ی کسانی می‌داند که چون «گفتند پروردگارشان خداست و بر این گفته استقامت ورزیدند، ملائک الهی بر آن‌ها فرود می‌آیند که غم و اندوه‌تان مباد و بهشت موعود از زانی باد» در حالی که لجاجت و یکدندگی، معمولاً با زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی و معیارهای منطقی همراه است، زیرا در چنین مواردی «هدف وسیله را توجیه می‌کند»

انگیزه‌ی بسیاری از کسانی که با اصول و تعالیم انبیا مبارزه می‌کردند و در شرایطی دست به خون پاک این بهترین بندگان خدا می‌آغشتند؛ ریشه در لجاجت و اصرار آن‌ها داشته، نه در پایداری آنان. تاریخ، گواه آن است که بسیاری از کسانی که بدترین اهانت‌ها و ستم‌ها را در حق رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روا داشتند، کسانی بودند که بیش از دیگران به امین بودن رسول الله اذعان داشته‌اند. چه چیز بیش تر از لجاجت و یکدندگی آن‌ها، چنین معادله‌ی ناموزونی را ساخته است؟

✽ در بسیاری از موارد:

نه تنها نباید معتقد باشیم که «حرف مرد یکی است»، بلکه براساس آموزه‌های دینی و عرف و

«حرف مرد یکی است» این ضرب‌المثل، را برای این شماره انتخاب کردیم و چشم انتظار همراهی تان را داریم.

البته این که گفته شده است: «حرف مرد یکی است» به معنای این نیست که الزاماً و حتماً حرف زن‌ها دوتا و چندتاست؛ در حقیقت مراد و منظور از «مرد» در این مثل، جنس انسان است، نه انسان مذکر.

✽ بیایید سراغ کار برد این مثل:

معمولاً وقتی که تزلزل و چنددلی دیگران را می‌بینیم، و یا از کسی بدقولی و تخلفی مشاهده می‌کنیم، به مثل‌هایی از این دست می‌باشند: «مرد کسی است که اگر سرش برود، حرفش نمی‌رود»، «مرد است وقولش»

در نگاه اول:

در نگاه اول ممکن است این مثل را در مورد پابندی به قول و وعده و زشتی زیرپانهادن آن بدانیم، و در شکلی کلی‌تر صبر و استقامت و ثبات را از پیام‌های این مثل عنوان کنیم. اگر این‌گونه قضاوت کنیم، محملی برای پذیرش این مثل درست کرده‌ایم (البته صرف نظر از جنبه‌های دیگر آن)

اما تردیدی نیست که چنین پیامی از دل این مثل بیرون نمی‌آید. مضافاً این که در گنجینه‌ی زبان فارسی مثل‌های فراوانی است که زیبایی صبر و استقامت را بیان می‌کنند، مانند:

«قول مردان جان دارد»، «گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی»، «صبر کوچک خدا سی سال است»، «صبر تلخ است، و لیکن تر شیرین دارد»، و مثل‌هایی از این دست.